



«به‌نشر» افضل‌نامه رضوی برای کودکان و نوجوانان منتشر کرده‌است «نقاره‌خونه» و «گلدسته» برای بچه‌ها



دو فصل‌نامه با نام‌های «نقاره‌خونه» و «گلدسته» از سوی انتشارات به‌نشر منتشر شد. به گزارش ایبنا، فصل‌نامه

«نقاره‌خونه» هدیه

ویژه انتشارات به‌نشر برای کودکان است تا درباره امام رضا^(ع) بخوانند و از زندگی و کرامات امام هشتم^(ع) بیشتر بدانند. محتوای این فصل‌نامه به‌وسیله گروهی از نویسندگان رضوی با موضوع امام رضا^(ع) به رشته تحریر درآمده است. مطالب این فصل‌نامه با تنوع موضوعی همچون داستان، شعر، رنگ آمیزی، جدول و سرگرمی، پرسش و پاسخ و معرفی کتاب‌های رضوی برای کودکان ارائه شده است که سلام امام رضاجان، میلاد نور، تولد، دعای پروانه، زیباترین گل، شعیبان واقعی، هدیه عسلک، رنگ‌آمیزی، دیدار با آقای مهربان، احادیث آسمانی، آشنایی با کتاب‌های رضوی و ماجراهای سارا و سعید از جمله مطالب این نشریه را تشکیل می‌دهند. همچنین با طرح موضوع‌ها و مطالبی ویژه رضوی، فصل‌نامه «گلدسته» به جمع نوجوانان پیوسته است. شماره اول فصل‌نامه «گلدسته» ویژه امام رضا^(ع) است که مطالب به‌وسیله گروهی از نویسندگان و شرای رضوی از جمله مجید ملامحمدی، محمود پوروهاب، حمیدخیرجو، سیدحبیب نظاری، سعید رزاقی، مرضی دانشمند، ناصر نادری، سیدسعید هاشمی و... گردآوری شده است و سعی دارد نوجوانان را با زندگانی و شخصیت والای امام رضا^(ع) آشنا سازد. مطالب فصل‌نامه «گلدسته» در تنوع موضوعی همچون داستان، شعر، پی‌نما، جدول و سرگرمی، پرسش و پاسخ و معرفی کتاب‌های رضوی برای نوجوانان ارائه شده است که تولد آفتاب، تا از تو می‌گوییم، دعوت‌کن، مزد کارگر، روضه، جدول و سرگرمی، جدول رضوی، فردایی روشن، احادیث آسمانی، دعای باران، آهوهای صحن آزادی، زیارت، آشنایی با کتاب‌های رضوی و آقای خوش‌خیال در مشهد از جمله مطالب این فصل‌نامه را تشکیل می‌دهند. قابل‌دائلود نشریه‌ها به‌صورت رایگان در سایت انتشارات آستان قدس رضوی به نشانی behnashr.ir با اختیار والدین و کودکان قرار داده‌می‌شود. همچنین نسخه چاپی این فصل‌نامه‌ها برای زائران کودک و نوجوان در حرم مطهر امام رضا^(ع) توزیع می‌شود.

کودکان چرا باید شاهنامه را دوست داشته باشند؟



نقالی از هنرهای نمایشی ایران است که از دیرباز در این مرزوبوم اجرا می‌شده، اما گرد فراموشی و بی‌توجهی بر چهره این هنر ایرانی موجب شد که در فهرست جهانی میراث

در خطر یونسکو ثبت شود، اقدامی که به نظر می‌رسد دردی از وضعیت «نقالی» دوا نکرده است و در سال‌های پس از ثبت هم این میراث در انزوا قرار دارد. مریم نعمت طاووسی، مسئول تهیه و ثبت پرونده جهانی نقالی، در گفت‌وگو با ایسنا، درباره وضعیت نقالی پس از ثبت جهانی، گفت: تا آنجا که می‌دانم نقالی تنها میراث ناملموس ایران بوده که در فهرست میراث جهانی در خطر ثبت شده است. «میراث در خطر» میراثی است که ممکن است به دلایل مختلف، دیگر آن را نداشته باشیم. حال به این دلیل که حاملان این میراث در خطر در معرض انقراض قرار گرفته‌اند و شگردی ندارند که مهارت و دانش خود را در اختیارشان قرار دهند یا به هر دلیلی، جامعه مخاطب خود را از دست داده‌اند. درباره نقالی شاهی‌ها رد موضوع بوده‌ایم. امروز استادانی در این حوزه داریم که حمایتی از آن‌ها نمی‌شود. نعمت طاووسی در پاسخ به این سؤال که چگونه می‌توان «نقالی» را در جامعه رواج داد و مردم را از این هنر و میراث ایرانی آگاه کرد؟ گفت: به‌طور طبیعی و به دلیل اینکه رسانه تغییر کرده، حتی پیوند کتاب و مخاطبان آن نوع فیلم‌ها و سریال‌ها دچار تحول شده است، سلیقه مخاطب نیز تغییر کرده است و برای زنده نگه داشتن نقالی ارتباط بین حاملان این هنر و مخاطب دوباره باید برقرار شود. این موضوع نیازمند یک سری برنامه‌ریزی است. در این باره تحقیقی در وزارت میراث فرهنگی انجام شده است مبنی بر اینکه چگونه می‌توان علاقه‌مندی نسل جوان را درباره نمایش‌های سنتی، از جمله «سیاه‌بازی» یا «نقالی» دوباره برقرار کرد.

او اضافه کرد: نتیجه آن، یک‌سری راه‌های تشویقی بود، آموزش و آشنا کردن جامعه با این نوع نمایش‌ها از کودکی، تا از همان سن به میراثی که از گذشتگان باقی مانده، افتخار کنند و لازمه آن «شناخت» است. وقتی ردپایی از نقالی و نمایش‌های سنتی در آموزش‌های مدارس نیست، بچه‌ها نمی‌دانند چرا باید شاهنامه را دوست داشته باشند. امروز چه تعداد از بچه‌های ما قصه‌های شاهنامه را می‌شناسند، یا اصلاً قصه‌های عامیانه خودمان را می‌شناسند که بعد به نقالی و خیمه‌شب‌بازی و... علاقه مند شوند؟ چقدر در کودکی این نمایش‌ها را دیده‌اند که در بزرگسالی هم این خاطره و علاقه در آن‌ها زنده شود؟



اصل گزارش را می‌توانید با اسکن کد در خبرگزاری ایسنا بخوانید.



در مراسم اختتامیه سومین دوره جشنواره داستان حماسی در آرامگاه فردوسی بیان شد

ایران کشور حماسه‌هاست



۱- اشاره به دریافت ۱۷۷۸ اثر در این دوره تنها اشاره به بعد کمی است. وجود شمار زیادی اثر محکم و درخور اعتنا در هر دو بخش داستان کوتاه و رمان و گذر شمار زیادی از این آثار از مرحله نخست به مراحل بعدی، نشان‌دهنده بعد کمی و ارزش فنی و محتوایی بیشتر آثار و بعد کیفی آثار رسیده به این دوره است.

۲- دریافت امتیاز بالا و نزدیک به هم یک سوم آثار بیان‌کننده رقابت سخت و فشرده آثار و فاصله نزدیک آثار رسیده به مراحل بالاتر بیان‌کننده پر ارج بودن اکثریت آثار مراحل پایانی است و براین اساس هیئت داوران در هر دو بخش پیشنهاد نشر نزدیک به شصت اثر رسیده دبیرخانه جایزه را طی فرایندی داده‌اند که این خود نتیجه‌ای شوق‌برانگیز برای یک جایزه ادبی و وضعیت داستانی کشور است.

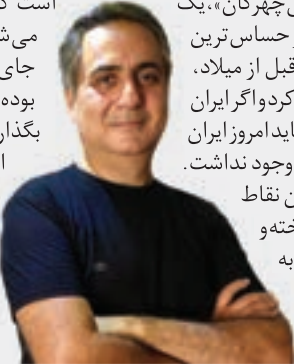
۳- وجود بخش ویژه در قالب ارائه طرح و نگارش آن زیر نظر مربیان انتخاب‌شده و همچنین ارجاع و مذاکره و گفت‌وگو با صاحبان شصت اثر پیشنهادی هیئت داوران و همچنین ادامه روند نشست‌های علمی و پژوهشی در دوره چهارم نشان می‌دهد که با رخدادی ادبی و فرهنگی روبه‌رو هستیم که گرچه نام جایزه با خود دارد ولی در واقع در هیئت یک جشنواره پویا و زنده عمل کرده است که معطوف به افتتاحیه و اختتامیه نیست و در طول مدت برگزاری، مخاطبان گسترده خود را در بخش ادبیات داستانی فعال و مرتبط‌نگه داشته است.»

جای چنین جشنواره‌هایی خالی بود

بی‌شمار تاریخی است. نویسنده مجموعه داستان تحسین شده «ابر صورتی» درباره جشنواره داستان حماسی بیان کرد: این اتفاق بسیار شگفت‌انگیزی است که دارد رخ می‌دهد. امروز متوجه

می‌شویم چه اقدام مهمی است و چقدر جای آن در طول سالیان گذشته خالی بوده و تا چه فوق‌العاده‌ای می‌تواند بگذارد. این جشنواره می‌تواند کارکردی اجتماعی و تاریخی داشته باشد.

چنین جشنواره‌ای با این رویکرد و دانش و تفکری که در هسته مرکزی آن وجود دارد، می‌تواند در جریان تاریخی و ادبی در ایران نقش داشته باشد.



علیرضا محمدی ایرانمهر، نویسنده مشهدی و برنده جایزه اول بخش رمان در سومین جشنواره داستان حماسی برای اثری با عنوان «بی‌چهرگان»، درباره این رمان به شهرآرآ گفت: رمان «بی‌چهرگان»، یک رمان تاریخی است درباره یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ ایران در سال ۵۳ قبل از میلاد، زمانی که کراسوس به ایران حمله کرد و اگر ایران در آن جنگ شکست می‌خورد، شاید امروز ایران به معنایی که امروز می‌شناسیم وجود نداشت.

در این اثر به یکی از حساس‌ترین نقاط ادبیات تاریخی ایران پرداخته و سعی کرده‌ام گوشه‌ای از آن را به صورت یک رمان باآفرینی کنم. این رمان مستند به اسناد

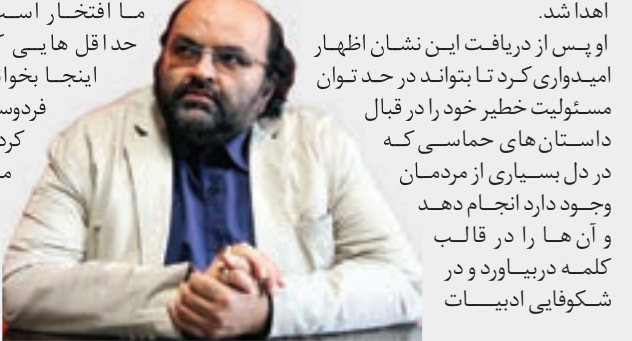


سیدمحسن موسوی‌زاده روزنامه نگار

روس که زاده ۱۵ می ۱۸۹۱ در کی‌یف و درگذشته ۱۰ مارس ۱۹۴۰ است و رمان‌هایی مانند «مرشد و مارگاریتا» و «قلب سگی» و «تخم مرغ‌های شوم» و «نمایشنامه‌هایی مانند «ایوان واسیلیویچ (ایوان مخوف) و «جزیره سرخ» از او به یادگار مانده است. او در برخی آثارش تلاش حکومت کمونیستی برای تربیت انسان‌تران‌نویان را با زبانی طنز به تصویر کشیده و نشان داده است که چگونه شوروی به کارخانه هیولاسازی از انسان‌ها تبدیل شده بود. در این بین، اودر کتاب «ابلیس‌نامه» زوایای دیگری از فضای شوروی را به تصویر می‌کشد. کتاب داستان زندگی کاراکتوف، کارمند اداره‌ای با عنوان «بنیاد تأمین مواد اولیه برای کبریت» است. او همه سعی‌اش را می‌کند تا رفتار و کردارش را در

هم‌زمان با برگزاری رویداد هنری سیمرغ و تجلیل

از برگزیدگان جایزه ملی داستان حماسی، نشان «دستار فردوسی» به‌علی محمد مؤبد، دستیار وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در امور شعر،



او پس از دریافت این نشان اظهار امیدواری کرد تا بتواند در حد توان مسئولیت خطیر خود را در قبال داستان‌های حماسی که

در دل بسیاری از مردمان وجود دارد انجم دهد و آن‌ها را در قالب کلمه دربیابورد و در شکوفایی ادبیات

این روزها اگر به بازار کتاب سرزنید، متوجه می‌شوید یکی از موضوعات جذاب برای کتاب‌خوان‌ها و البته ناشران، «زندگی در شوروی سابق» است. آنچه از ویرترین این روزهای کتاب‌فروشی‌ها و استقبال مخاطبان برمی‌آید، این است که شمار عنوان‌هایی که به جای روایت تاریخ رسمی شوروی و جدال اِیسم‌های مختلف مانند «لنینیسم»، «استالینیسم»، «تروتسکیسم»، «خروشچفسیسم» و ده‌ها اصطلاح دیگر، زندگی روزمره در دوران شوروی را روایت می‌کند، رو به افزایش است. کتاب‌هایی که هریک زوایایی از آن روزگار را برای خوانندگان نمایان می‌سازد. اگر بخواهیم از بین این کتاب‌ها روی آثار نویسنده خاصی دست بگذاریم، نوشته‌های میخائیل بولگاکف انتخابی شایسته می‌نماید. نویسنده برجسته و مشهور

